

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر

سید حسن حسینی*

مطلبی که در پی می‌آید با هدف ارائه یک دسته مفروضات نظری پیرامون وجود رابطه احتمالی میان اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر است. اینکه ویژگی‌ها و توانمندی‌های اینترنت تا چه میزان ابتلا به مواد مخدر را در پی دارد و یا برعکس تا چه میزان می‌تواند در پیشگیری یا کاهش ابتلا به مواد مخدر مؤثر باشد؟ اینکه آیا محتوای درونی اینترنت در این امر مؤثر است و یا تأثیراتی که این ابزار دیجیتالی ویژه از حیث سخت‌افزاری می‌تواند در ساختار زندگی روزمره کاربر بگذارد عامل اصلی در این ارتباط است؟

اینها سؤالاتی است که ما بدون اینکه وارد تحقیقی میدانی شده باشیم، تلاش می‌کنیم حتی‌الامکان با ارائه دو فرضیه پاسخ‌هایی مفروض به آن بدهیم. بدیهی است، اعتبار پاسخ‌های فوق را می‌توان از طریق کارهایی میدانی که در آینده صورت خواهد گرفت سنجش و ارزیابی کرد.

چارچوب نظری

تبیین ما در این مقاله بر نظریه مبادله و همچنین بر جنبه‌هایی از نظریه «کنش متقابل نمادین» تکیه دارد. انتخاب این اتکا از این جهت است که نزدیک‌ترین چشم‌انداز را برای تبیین چرایی وقوع پدیده اعتیاد در سطح خرد (میکرو) تدارک می‌بیند. چه، تکیه ما نگاه جامعه‌شناختی به «رفتار» معتاد و اثر مستقیم یک یا چند عامل بر اعتیاد است و برای چنین نگاهی باید تا حد ممکن به حیطه روان‌شناسی نیز نزدیک شد.

نظریه مبادله به عنوان رویکرد جامعه‌شناسی رفتاری نیز نظریه‌ای فربه و قانع‌کننده در این قبیل موضوعات است و نیز نظریه کنش متقابل نمادین که رهیافت‌های معتبری در این زمینه به‌شمار می‌رود.

ویژگی‌های کارکردی اینترنت

اینترنت ابزاری چند کارکردی است که قادر است:

۱. به مثابه یک رسانه جمعی تصویری، نیازهای افراد را به کسب اطلاع در زمینه‌های شغلی، خبری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، هنری، علمی و... تأمین نماید (سرویس‌های خبررسانی).
۲. به مثابه یک رسانه جمعی نوشتاری بدون مواجهه با محدودیت‌های رسانه‌های نوشتاری واقعی، این امکان را برای همه افراد فراهم می‌کند که آزادانه تا حد کتمان هویت واقعی خویش، اندیشه‌ها و احساسات خود را به دیگری منتقل و از رهگذر امکان بازتاب اندیشه‌ها و احساسات مخاطبان، به ترمیم اندیشه‌ها و غنای احساسات خود مبادرت کنند (وبلاگ‌ها).
۳. به مثابه یک سالن کنفرانس و گفتگو، فضای مجازی را در قالب دیالوگ برای ارائه، تنقیح و رشد افکار و عقاید فراهم کند (تالارهای گفتگو).
۴. به مثابه محفل و مکان گرهمایی گروه‌های همسال فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی و محلی افراد، کنش متقابل سازمان‌یافته و چهره به چهره‌ای تدارک ببیند که به واسطه آن، با شکل‌گیری «خرده‌فرهنگ‌های متفاوت» که عاری از الزامات و قیود مربوط به شخصیت و هویت

واقعی کاربر و قیود حقوقی حاکم بر روابط اجتماعی واقعی است، فرایند جامعه‌پذیری در اجتماعات مجازی را متعین سازد و نیز به علت خصلت غیرجسمانی این‌گونه روابط، جامعه‌پذیری متفاوتی را به تجربه افراد درآورد (اجتماعات مجازی - اتاق‌های گپ).

۵. به مثابه یک محیط تفریحی بدون مواجهه با محدودیت‌های مرزی و جغرافیایی، نیازمندی‌های افراد را برای فعالیت‌هایی چون بازی و سرگرمی با شخصیت‌های حقیقی و مجازی اشباع نماید (سرویس‌های بازی).

۶. به مثابه یک رسانه تصویری و نوشتاری، ناتوانی‌های موجود در محیط واقعی افراد را برای تقویت و اشباع انگیزه‌های جنسی جبران نماید (سایت‌ها و وبلاگ‌های پورنوگرافیک).

تعریف اعتیاد (وابستگی)

وابستگی (دارویی) «عملی است که به موجب آن شخص دیگر نمی‌تواند از یک دارو صرف‌نظر کند، بدون توجه به خطرات مرتبط با ادامه مصرف». (دارو - آگاهی - پیشگیری، ۷)
«دو نوع وابستگی وجود دارد که ممکن است هر دو و یا یک نوع آن ظهور کند:
- وابستگی جسمی: به واسطه نیاز به دارو، بدن شخص تحلیل می‌رود.
- وابستگی روحی: قطع دارو یک احساس کسالت و دلهره و گاه افسردگی به دنبال دارد».

(همان)

جان فیلیپ اسمیت تعریف دیگری از اعتیاد ارائه می‌کند: «اعتیاد نوعی عادت است که شکستن آن خیلی دشوار است. برای مثال، طی ترک اعتیاد به هرئین این اعتیاد با میل به دارو ادامه خواهد یافت. مشخصه دیگری که عادات اعتیادی را از عادات غیراعتیادی متمایز می‌کند قابلیت آنها در تولید احساس مثبت در زمان است که موجب رفع یک احساس منفی از فرد می‌شود، در حالی که عادت غیراعتیادی تنها بر احساس منفی فائق می‌آید» (Smith, No date).

ویژگی‌های روان‌شناختی معتادان

معتادان دارای ویژگی‌های روان‌شناختی زیر هستند:

- « - کاهش اعتماد به نفس؛
 - فقدان مزمن احساسات خوب از خود؛
 - وابستگی به فعالیت تغییر دهنده حالت؛
 - ناتوانی در پذیرش درک کاربرد علمی دارو (عدم انبساط ذهنی به خاطر اختلال مغزی)؛
 - سرپیچی از پذیرفتن انتقاد به خود؛
 - عدم اتکاء به خود به دلیل تسلیم موقتی به چیزی خارج از خود؛
 - انزوا و گوشه گیری؛
 - واپس رانی ترس درماندگی» (Milkman and Sunderwirth, 1995: 1).

ارتباط با اینترنت

طرح و بسط فرضیه‌ای تأیید شده

براساس آمارهای منتشر شده، کاربران اینترنت به دو گروه «کاربران ثابت» و «کاربران غیر ثابت» تفکیک شده‌اند. کاربران ثابت آن دسته از کاربرانی هستند که بخش مهمی از اوقات روزانه خود را از طریق اینترنت در فضای مجازی می‌گذرانند و عضو ثابت بسیاری از سایت‌ها هستند، و کاربران غیر ثابت کسانی هستند که به صورت تفریحی هر از گاهی با خرید کارت‌های اینترنتی به فضای مجازی وارد می‌شوند. برای مثال، در ایران حدود سه میلیون کاربر ثابت و حدود هفت میلیون کاربر غیر ثابت وجود دارند (سایت روزنامه‌نگار نو).

از آنجا که نقطه عزیمت ما در تحلیل موضوع مورد نظر در این مقاله، رویکرد نظریه مبادله از یک سو و نظریه کنش متقابل نمادین از سوی دیگر است، نمی‌توانیم این فرض را بپذیریم که کاربران غیر ثابت از لحاظ ارتباط ضعیفی که با اینترنت دارند در جهت تغییر رفتار خود (در رابطه با گرایش یا دوری از اعتیاد به مواد مخدر) تحت تأثیر فضای مجازی اینترنت قرار بگیرند. در اینجا، در واقع، ما می‌خواهیم در گام اول از طرح مفروضات اصلی خود، کارمان را با طرح فرضیه منفی زیر آغاز کنیم:

«اینترنت چنانچه در حد وابستگی، با فرد ارتباط برقرار نکند نمی‌تواند در اعتیاد به مواد مخدر اثر منفی یا مثبت داشته باشد.»

برای توضیح این فرضیه می‌باید به برخی از مفاهیم بنیادی هر دو رویکرد نظری استناد کنیم. از دیدگاه نظریه مبادله، محیط پیرامونی هر فرد مجموعه‌ای است از عوامل اجتماعی یا غیراجتماعی که با او نسبت «محرک - پاسخ» برقرار می‌کند. «محیطی که یک رفتار در آن رخ می‌دهد، چه اجتماعی باشد چه فیزیکی، تحت تأثیر آن رفتار قرار می‌گیرد و این محیط متأثر از این رفتار به نوبه خود به شیوه‌های گوناگون بر رفتار بعدی تأثیر می‌گذارد. این واکنش، چه مثبت و چه منفی و یا خنثی، بر رفتار بعدی کنشگر تأثیر می‌گذارد. اگر این واکنش برای کنشگر پاداشی دربرداشته باشد در آینده نیز همان رفتار در موقعیت‌های مشابه از کنشگر صادر خواهد شد. اما اگر واکنش برای کنشگر دردناک یا تنبیه‌کننده باشد، احتمال کلی دارد که در آینده دوباره رخ دهد» (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۰۸).

و نیز «در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می‌دهند، غالباً این‌گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد» (هومنز به نقل از ریترز ۱۳۷۴: ۴۲۷).

«و در نظریه کنش متقابل نمادین، چنانچه رابطه فرد با الگوهای کنش متقابل سازمان یافته برقرار شود آنگاه رابطه اجتماعی معنی‌دار است و می‌توان گفت که در این صورت رابطه برقرار شده است» (همان ۲۸۱).

مفهوم «خود» و در تفسیر امروزی از این رویکرد مفهوم «هویت» تنها در چنین سطحی از تعامل میان فرد و جامعه (محیط) به عنوان موقعیت اجتماعی سازمان یافته و ساختارمند است که ظهور می‌یابد.

بنابراین، رابطه فرد با اینترنت چنانچه منجر به برقراری سیکل محرک ← پاسخ - تقویت (در نظریه مبادله) نشود به این معنا است که رابطه میان فرد با اینترنت فاقد معنای جامعه‌شناختی است و اگر چنین سیکلی پایدار شود علی‌القاعده «باید در درازمدت به تبدیل کاربر اینترنت از غیر ثابت به ثابت منجر گردد». نیز چنانچه موقعیت اجتماعی سازمان یافته میان فرد و فضاهای مجازی اینترنت برقرار نشود، در اساس این تعامل، کنش متقابل قلمداد نمی‌گردد (در نظریه کنش متقابل نمادین).

چون الگوهای کنش متقابل سازمان یافته که در آن، فرایند تبادل معنا نیز جریان دارد تنها در صورتی میسر است که فرد به یک کاربر ثابت و حرفه‌ای تبدیل شده باشد و با عضویت در موقعیت‌های مجازی درون اینترنت بتواند با «دیگری» در کنش متقابل مستمر قرار بگیرد، ارتباط دائمی با اینترنت در سطح نازل چنین قابلیت‌هایی را برای تشکیل سیکل رابطه شرطی با فرد (نظریه مبادله) و نیز کنش متقابل سازمان یافته (نظریه کنش متقابل نمادین) ندارد.

حداقل شرط لازم برای ارتباط مستمر و کاربری ثابت در اینترنت داشتن یک صندوق پستی (ایمیل) است که ایجاد کند کاربر در هر روز لافل برای یک مدت محدود ثابت به آن مراجعه کند و نامه‌های دریافتی را مرور کند و به برخی از آنها پاسخ دهد. چنین سطحی از ارتباط مستلزم عقد قرارداد ضمنی مستمر برای ارتباط میان کاربر و فرستادگان نامه است که در این صورت انتظارات متقابل نظام معنایی مشترک میان او و مخاطبان مجازی یا حقیقی‌اش از قبل شکل گرفته است و آن دو جزء در ترکیب با عامل سوم یعنی تعامل، کنش متقابل اجتماعی سازمان یافته میان طرفین را متعین ساخته است و «پاداش»‌های تعریف شده‌ای نیز در رابطه تبادلی ملحوظ گردیده است که وی را برای ادامه ارتباط و تکرار «پاسخ»‌های قبلی برانگیخته نگاه داشته است.

این «پاداش» می‌تواند «انتقال اطلاعات» در زمینه شغلی یا تفریحی مورد علاقه باشد و یا «تبادل احساسات و عواطف» در روند یک رابطه دوستی و یا «انتظار دریافت یک جایزه از یکی از سرویس‌های اینترنتی» و غیره.

مصادیق ارتباطی فوق می‌تواند حداقل شرایط و زمینه لازم برای وقوع رخداد «وابستگی» به اینترنت را فراهم کند. ایجاد ارتباط در پایین‌تر از این سطح مشمول تعریف «وابستگی» نیست. ادامه این وابستگی با تبدیل شدن بسامد این ارتباط تا سطح گشت و گذار وسیع‌تر و عمیق‌تر کاربر در سرویس‌های مختلف اینترنت و در نهایت عضویت ثابت در برخی از سایت‌ها و تغییر نقش وی از کاربر غیرثابت به ثابت احتمال وقوع وجه آسیب‌شناختی رابطه با اینترنت را که به آن اعتیاد به اینترنت گفته می‌شود، به میان می‌آورد این یک فرضیه تقریباً تأیید شده است که عبارت است از:

«اینترنت توانایی آن را دارد که به عنوان یک عامل اعتیادآور در افراد عمل کند.»

اعتیاد به اینترنت آن نوع از وابستگی است که چه در علایم و نشانه‌ها و چه پیامدها مورد بررسی و تحقیقات دقیق فراوانی واقع شده است و در ردیف یکی از انواع وابستگی‌ها طبقه‌بندی گردیده است. نقاط مشترک برخی از این تعاریف که انجمن روان‌پزشکی آمریکا ارائه کرده است، از این قرار است:

۱. نیاز برای افزایش مدت زمان لازم در جهت ارضا شدن از اینترنت و یا تأثیر قابل توجه در اثر کاهش زمان استفاده از آن؛

۲. افسردگی، لرزش ناشی از اضطراب و بی‌طاقتی، نگرانی و تشویش و اشتغال دائمی ذهنی به مسائل کنونی جاری در اینترنت در موارد کاهش مدت زمان استفاده از اینترنت؛

۳. کاهش فعالیت‌های مهم اجتماعی، شغلی یا خلاقیت‌ها؛

۴. خطر از دست دادن ارتباط مهم، شغل و فرصت‌های شغلی و اختلال در روابط خانوادگی (نشریه پژوهاک، ۱۳).

اما اینکه اعتیاد به اینترنت راهی به سوی اعتیاد به موادمخدر و یا ترک اعتیاد به موادمخدر پیش روی کاربر می‌گشاید یا نه، موضوع دو فرضیه اصلی این مقاله است که به نوبت به آنها می‌پردازیم و برای این کار تلاش می‌کنیم به چارچوب نظری خود وفادار بمانیم.

طرح و بسط فرضیه‌ها

فرضیه اول

اینترنت فارغ از محتوای درونی‌اش به عنوان یک ابزار دیجیتال به دلیل اینکه کاربر ثابت را به کنش فعال با خود وامی‌دارد و به شرطی شدن عامل (کنشگر) می‌انجامد، برای قطع ارتباط فرد با محیط پیرامونی قابلیت اعتیادآوری به مواد مخدر یا رفع زمینه‌های انگیزشی اعتیاد به مواد مخدر را دارد: «اینترنت ابزاری است که فرد را در مشارکت‌جویی فعالانه برای گذر از «زمان و مکان» واقعی وارد می‌کند. این گرایش در تعاریفی که از نشانه‌های اعتیاد به اینترنت ارائه شده است قابل درک است. افزایش دادن مدت زمان استفاده از اینترنت تا کسب رضایت خاطر و تمایل به طولانی‌تر کردن زمان تماس، پس از برقراری ارتباط و استفاده از اینترنت برای فرار از

مشکلات یا رهایی از مشغله فکری (مانند احساس ناامیدی، گناه اضطراب و افسردگی) (سبز پیشخانی ۱۳۷۹).

افزایش مدت زمان استفاده از اینترنت ملازم با انزواگرینی کاربرد است. او برای اینکه بتواند مدت بیشتری برای گشت و گذار در فضای مجازی صرف کند، باید سایر روابط خود را در زندگی روزمره‌اش به حداقل ممکن کاهش دهد و به خلوت انزوا درگلتند. این یک رویکرد به اینترنت است، اما رویکرد موردنظر در اینجا این است که کاربر کسی است که نه با انگیزه جست‌وجوی پاداش‌های برجسته‌تر از پاداش‌های جاری در شبکه روابط اجتماعی‌اش بلکه برای فرار از مشکلات متعدد روزمره‌اش با این محیط ویژه آشنا شده و از آن پاداش دریافت کرده است. وقتی از جنبه آسیب‌شناختی به هویت و رفتار کاربر معتاد به اینترنت نگاه می‌کنیم، او به دلیل اضطراب درونی ناشی از فشار مشکلات زندگی روزمره‌اش به طرز غیرارادی در جست‌وجوی آن نوع رابطه‌ای است که بتواند به نحوی مؤثر وی را از وضعیت و حالتی که هست «خارج» کند. اضطراب «خروج از حال کنونی» وقتی بر اثر رخداد تماس با مواد مخدر پاسخ خود را در بالاترین سطح ممکن ببیند آن چیزی است که در قول مشهور و متداول معتادان «دستیابی به ماورای حیات» (دیرخانه دولتی امور جوانان و ورزش ۱۹۹۱: ۵) تعبیر می‌شود.

اعتیاد به اینترنت نیز نوعی تحقق پروژه خود - درمان‌گرانه «خروج از حال کنونی» است. به ویژه اینکه در ادامه این روند روزبه‌روز زمان استفاده کاربر از اینترنت به‌طور غیرارادی و منفعلانه افزوده می‌شود و نیز کاربرد معتاد به اینترنت همچون معتاد به مواد مخدر ریسک از دست دادن ارتباطات اجتماعی و فرصت‌های شغلی و تحصیلی را می‌پذیرد. این تشابهات جدی میان پیامدهای اعتیاد به اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر حاکی است از آن‌که به‌رغم اختلافات این دو عامل اعتیادآور از حیث «ساختمان مادی» (یکی شیمیایی و مصرف‌کردنی است و دیگری صرفاً ارتباطی است) هر دو پاسخ‌هایی متفاوت به نیازهایی مشابه هستند که به زمینه‌های آسیب‌شناختی یکسانی ارجاع دارند. از این لحاظ، یک فرد آسیب دیده که زمینه‌ای اجتماعی و روان‌شناختی گرایش به مواد مخدر را دارد چنان‌چه با «فرصت»‌های دسترسی به دارو در گروه‌های همسالان منحرف مواجه شود، در معرض اعتیاد به مواد مخدر قرار می‌گیرد. اگر فرد این

«فرصت» را در ایجاد رابطه هیجانی و تنوع‌آور با وجوه متعدد اینترنت و دنیای مجازی داخل آن بیابد در این نوع از اعتیاد غوطه‌ور خواهد شد. این‌گونه است که در این فرایند یک نوع اعتیاد، ضرورت گرایش به اعتیاد نوع دیگر را منتفی می‌سازد، به‌ویژه اینکه برخی از تحقیقات به عمل آمده حاکی است که اعتیاد به اینترنت در مواردی حتی از اعتیاد به مواد مخدر نیز لذت‌بخش‌تر گزارش شده است (نشریه پژوهاک، ۱۳).

اعتیاد به اینترنت می‌تواند تنها از رهگذر گشت و گذار در سایت‌های متعدد و فقط با انگیزه بروز احساسات مثبت از قبیل عمل فعالانه (اثرگذاری کاربر بر روی صفحه مانیتور و بازتاب آثار وی و اثرگذاری مجدد و بازتاب دوباره و ادامه این چرخه) صورت بگیرد که یکی از مصادیق بارز آن پرداختن به بازی‌های کامپیوتری است که اعتیاد به آن نیز تعریف شده است. با این حال، محدودیت‌های نرم‌افزاری و ارتباطی، آن را حتی با بازی‌های اینترنتی (صرف‌نظر از سایر امتیازات فضا‌های مجازی اینترنت) متفاوت ساخته است.

اما مطالب مطرح شده تنها مربوط به تأثیر وجه سخت‌افزاری رابطه کاربر با اینترنت بوده است که به دلیل رابطه ساده شرطی که با کاربر برقرار می‌کند (عمل کاربر ← پاداش‌های آنی) به عنوان یک عامل اعتیاد‌آور می‌تواند جایگزین گرایش اولیه به اعتیاد به مواد مخدر باشد (بر اولیه بودن گرایش تأکید می‌کنیم چون جایگزینی اعتیاد به اینترنت با اعتیاد به مواد مخدر در کاربرانی که قبل از آن معتاد به مواد مخدر بوده‌اند موضوع دیگری است). با وجود این به نظر می‌رسد از این حیث که اعتیاد به اینترنت رابطه شرطی عامل میان کاربر و اینترنت را تا آنجا تقویت کرده است که بر روابط کاربر با سایر محیط‌های واقعی پیرامونش تفوق یافته و به گسست تعلقات وی نسبت به مسائل شغلی، اجتماعی و خانوادگی انجامیده و به تعبیری رابطه وی را با گذشته و حال واقعی‌اش قطع کرده است، احتمال تغییر گرایش وی را از اینترنت به مواد مخدر افزایش می‌دهد. این رخداد در مواردی که خصلت «تقویت» کنندگی اینترنت در اثر گذشت زمان و «تکرار» پاداش‌های مشابه افول نماید، بالاترین احتمال وقوع را خواهد داشت. زیرا «وابستگی به فعالیت تغییردهنده حالت»، «انزوا و گوشه‌گیری»، «عدم اتکاء به خود به دلیل تسلیم موقتی به چیزی خارج از خود» (Miklman and Sunderwirth 1995) از ویژگی‌های عام و مشترک معتادان

است. با نگاهی به تعاریف ارائه شده در مورد ویژگی‌های معتادان به اینترنت، قابلیت وی را برای بازگشت به روندهای عادی زندگی روزمره از او سلب نموده است و انتخاب گزینه «اعتیادی دیگر» نسبت به گزینه «بازسازی زندگی روزمره» کم‌هزینه‌تر است و نتایج و دستاوردهای آنی‌تر دارد. این نظر با اتکاء به شیوه‌های درمان‌گرایانه متعارف در خصوص معتادان مواد مخدر که طی آن اعتیاد به داروهای مسکن و تخدیرکننده را جایگزین مواد مخدر سمی می‌کنند، تقویت می‌شود (Smith, No date). ضمن اینکه استفاده از داروهای تقویت‌کننده یا مسکن برای جبران عوارض فیزیکی و روانی ناشی از عواقب اعتیاد به اینترنت نیز در این دوره احتمال وقوع دارد.

فرضیه دوم

محتوای برخی از محیط‌های مجازی (برنامه‌های اینترنت) در گرایش یا فقدان گرایش به سوی اعتیاد به مواد مخدر اثر مستقیم دارند. در وهله اول، به نظر می‌رسد از این جهت که اینترنت فضاهای مجازی متعدد، متنوع و گسترده‌ای را با حفظ امنیت حقوقی کاربران فراهم می‌کند، ظرفیت تقویت‌کنندگی این ابزار را با توجه به تنوع «پاداش‌های آنی» تا میزان بالایی افزایش می‌دهد و حداقل سیکل تکرار پاداش را تا مدت زمان زیادی پایدار نگه می‌دارد.

در وهله دوم، از آنجا که فضاهای مجازی درون شبکه‌های وب و ویژگی‌های جامعه‌شناختی پیچیده‌تری را دارا هستند که آنها را تا سطح موقعیت‌های اجتماعی سازمان‌یافته و متنوع ارتقا می‌دهد (تا آنجا که این موقعیت‌ها امروزه قابلیت تبدیل شدن به شهرهای مجازی را یافته‌اند) از نقطه نظر تحلیل کنش متقابل نمادین درخور بررسی موشکافانه‌ای است.

نگاهی به آمارهای ارائه شده در تحقیقات اخیر شرکت Hit Wise نشان می‌دهد که تعداد بازدیدکنندگان (کاربران آمریکایی) از سایت Pornxxx (۱۸/۸ درصد) سه برابر بیشتر از سایت‌های درجه یک جست‌وجوگر مثل گوگل است. این در حالی است که سایت‌های سرگرمی ۸ درصد، تجاری ۷/۴ درصد و خرید و امور متفرقه ۷ درصد از بازدیدها را به خود اختصاص داده‌اند (سایت اخبار فناوری اطلاعات ایران).

از سوی دیگر سایت Social networking (orkut) که یک نوع شهر مجازی است در حال

حاضر بیش از ۳۵۰/۰۰۰ عضو (شهروند) دارد و به‌طور روزافزونی پاسخگوی تقاضاهای عضویت جدید است (روزنامه شرق، ش ۲۰۰).

در ایران، در حال حاضر، از هر ۱۰ نام ثبت‌شده در فهرست جست‌وجوی Orkut یک نفر ایرانی است و کاربران ایرانی دوشادوش کاربران برزیلی با سرعت شتابانی اقدام به عضویت در این سایت می‌کنند (سایت شرکت مخابرات ایران).

برای ارائه تحلیل در بسط فرضیه دوم نگاهی گذرا به نحوه توزیع کاربران ایرانی در سایت‌های مختلف سودمند است. در حال حاضر در میان ۱۰ رتبه اول سایت‌های عمومی شخصی، وبلاگ‌ها (رونوشت) و سایت‌های پورنوگرافیک و سایت‌های سیاسی دگراندیشان و سایت‌های دوست‌یابی به ترتیب ۴۵٪، ۲۰٪، ۲۰٪ و ۱۵٪ بازدیدها را به خود اختصاص می‌دهند. در میان سایت‌های عمومی غیرشخصی سایت‌های اطلاع‌رسانی و سرگرمی (مخصوص دختران) ۲۰٪ و سرگرمی و دوست‌یابی ۳۰٪ و در مجموع ۵۰٪ کل بازدیدها را در میان ۱۰ رتبه اول از آن خود کرده‌اند (www.nedstatbasic.net).

در این بین، از آمار کاربران ثابت در اتاق‌های گپ^۱ اطلاعی در دست نیست و تنها براساس یک مطالعه گذرای شخصی با شیوه نمونه‌گیری برحسب زمان، در مدت یک هفته به‌طور متوسط روزانه ۴۰۰ کاربر ثابت در اتاق‌های گپ حضور می‌یابند و هر کدام به‌طور متوسط ۲ ساعت به گپ‌زدن با سایرین مشغول است. اکثر قریب به اتفاق گپ‌زنان در اتاق‌های گپ، گروه‌های سنی میان ۱۷ تا ۲۰ سال را تشکیل می‌دهند که برخی از آنان به جز ساعاتی محدود به‌طور شبانه‌روزی در اتاق گپ به عنوان عضو ثابت حضور دارند و مدت عضویت ثابت و هر روزه برخی از کاربران در این اتاق‌ها به بیش از ۲ سال بالغ می‌شود. محورهای اصلی مورد گفت‌وگو در این اتاق‌ها شوخی و لودگی و دوست‌یابی در تمامی اوقات، در مواردی اطلاع‌رسانی در مورد جدیدترین اخبار و شایعات روز و نیز بحث‌های جمعی در موضوعات مورد علاقه دو جنس است. در تمام مدت هویت جعلی کاربران هم از سوی خودکاربر محفوظ می‌ماند و هم از سوی سایر کاربران مورد کنکاش واقع نمی‌شود و این یک هنجار گروهی

پذیرفته شده توسط تمامی کاربران است.

پدیده دیگری که در اتاق‌های گپ از لحاظ جامعه‌شناختی قابل تأمل است، تغییر هویت متناوب کاربران در نوبت‌های بعدی چت است که به منظور تغییر «نقش» صورت می‌پذیرد. به این ترتیب، فرایند بازی نقش‌های متفاوت توسط افراد در اتاق‌های گپ به کرات به جریان می‌افتد.

با توجه به شمایی که از نحوه توزیع کاربران در سایت‌های مختلف اینترنتی ارائه شده است و نیز ماهیت و کیفیت این ارتباط‌های مجازی، برآنیم که کاربران ثابت، به اخذ تجارب غنی‌تری در درون شبکه‌های ارتباطی مجازی و نیز جامعه‌پذیری در اجتماعات مجازی در قالب یک «هویت مجازی» جعلی با جدیت می‌اندیشند. این نوع جامعه‌پذیری، معطوف به شرایط و ویژگی‌های خاص آن نوع کنش متقابل است که آن را کنش متقابل مجازی می‌نامیم. این شیوه کنش، به دلیل محدودیت‌های جامعه‌شناختی اجتماعات مجازی که با امکانات جانبی‌اش، اضافاتی را نسبت به کنش اجتماعی واقعی برکنش فرد بار می‌کند به آن ماهیتی ویژه می‌بخشد.

ویژگی‌های اساسی کنش متقابل مجازی را این چنین ارزیابی می‌کنیم

کنش متقابل مجازی عبارت است از آن نوع نظام کنش متقابل که کنشگران بدون هیچ‌گونه ارتباط فیزیکی مستقیم و تنها براساس تصویر ذهنی که از یکدیگر ادراک می‌کند، تشکیل می‌دهند. این نوع نظام کنش الگویی از روابط را ارائه می‌دهد که در آن عامل جسمانی غیب است:

۱. کنشگران براساس ارزیابی ذهنی متقابل انتظارات، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر را تشخیص می‌دهند و با تکیه بر آن رفتار خود را با دیگری تنظیم می‌کنند.
۲. اگرچه در این نظام کنش ارتباط فیزیکی مستقیم وجود ندارد، مع‌هذا کنشگر از طریق «تخیل» و آفرینش صوری ارتباط جسمانی تا حد ممکن خلأ این متغیر را پر می‌کند.
۳. در این نظام کنش به علت فقدان ارتباط جسمانی، نمادسازی کلامی یا نوشتاری و نیز تصویری، بسیار بیشتر از کنش متقابل واقعی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، نمادها سهم

زیادی در انتقال ارزش‌ها، علایق، مقاصد، عواطف و بازخوردهای متقابل را در این نوع کنش به خود اختصاص می‌دهند.

۴. این نوع نظام کنش قابلیت آن را دارد که در مواردی که تعداد کنش‌گران محدود می‌شود حاوی رابطه اولیه چهره به چهره شود و علی‌رغم فقدان ارتباط فیزیکی مستقیم، در صورت جاذبه متقابل بخش مهمی از شبکه روابط اجتماعی روزمره کنشگران را اشغال نماید و یا حتی در مواردی مهم‌ترین نظام کنش فرد در شبکه روابط اجتماعی‌اش گردد.

روند رو به رشد تقاضا برای عضویت در روابط اجتماعی مجازی نظیر شبکه‌های اورکات که نه به قصد تجارت بلکه با انگیزه اخذ تجارب تازه و متنوع صورت می‌گیرد و به سوی ارتباطات چهره به چهره مستمر و دوستی با گروه‌های همسال جهت‌گیری دارد، نشان‌دهنده همان نقطه عزیمتی است که کاربران معتاد به تأثیرات سخت‌افزاری اینترنت (توصیف شده در فرضیه اول) در آن نقطه قرار داشته‌اند؛ با این تفاوت که این رویکرد، نه فقط با انگیزه فرار فیزیکی و روحی از مشکلات زندگی روزمره معطوف به آسیب‌های درونی عاطفی بلکه با نوعی اضطراب «هویت‌یابی» جدید و ضرورت اجتماعی شدن در فضاها مجازی است که هم قیدها و الزامات هنجاری کمتری را نسبت به دنیای واقعی برکنشگر باز می‌کنند و هم محدودیت‌های جغرافیایی و اقلیمی آن دنیا را به واسطه ویژگی‌های ذاتی اینترنت ندارند.

از این نقطه‌نظر نیز باز کاربرانی که حامل تقاضای هویت‌یابی هستند همان راهی را می‌روند که افراد آسیب‌پذیر در معرض تمایل به مصرف موادمخدر، فرصت‌های اجتماعی مستتر در موقعیت‌های اجتماعی محیط پیرامونی‌شان را جست‌وجو می‌کنند.

یکی از کارهایی که اخیراً توسط تامی اندرسون و جوشوا مون در زمینه هویت‌یابی معتادان به مواد مخدر با استناد به داده‌های آماری یک تحقیق میدانی انجام شده در ایالت میشیگان آمریکا صورت پذیرفته است، و تحلیل نظری آن بر نظریه کنش متقابل نمادین تکیه دارد از این دست نگرش‌ها به مصرف موادمخدر معطوف به انگیزه یا اضطراب روانی عاطفی برای «هویت‌یابی مجدد» است (نگاه کنید به مقاله تغییر هویت مرتبط با دارو (Aderson and Mott, No date).

مدعای ما این است که مدل مفهومی ارائه شده در آن کار تحقیقی تجربی - تئوریک با توجه

به زمینه‌های مشابهی به کاربران ثابت اینترنتی به قصد هویت‌یابی در اجتماعات مجازی تعقیب می‌کنند، قابل شمول به این عرصه نیز هست.

انزواگرینی افرادی که پیش از استعمال مواد مخدر، اختلال هویت و فقدان توان کنترل هویت را در دوران کودکی و حدود نوجوانی تجربه کرده‌اند، امری محتوم است. این انزواگرینی^۱ واکنش و تدبیر طبیعی فرد آسیب دیده برای جدایی از محیط ناپه‌نجاری است که هم مسبب وقوع هویت رنج‌آمیز درونی بوده است و هم با فشارهای اجتماعی که بر او محاط ساخته استقلال وی را در ابزار هویت «خود» (مستند به نظریه کنش متقابل نمادین) سلب کرده است و هم با زدن «برچسب» هستی روانی وی را یکسره مغشوش نگه داشته است. به این دلایل، او توان ایفای فعالانه نقش اجتماعی خود را از دست می‌دهد و در «پایگاه» پایین‌تر از حد انتظارش قرار داده شده است. در چنین شرایطی، طی فرایند انزواگرینی، انقطاع از همه آنچه هست و بازسازی جدید هویت آسیب‌دیده و ترمیم پایگاه تنزل‌یافته ضروری خواهد بود.

در همین اوضاع و احوال است که موقعیت‌های اجتماعی روزمره با «فرصت»‌هایی که در خود، برای هویت‌جویی افراد فراهم می‌کنند گزینه‌ی محتمل برای انتخاب فرد واجد هویت آسیب دیده هستند. مصرف مواد مخدر، یکی از امکانات موجود در چنین گروه‌هایی است که برای تسهیل فرایند جدایی از گذشته و «ابطال هویت رنج‌آمیز پیشین» و جهت‌گیری به سوی اخذ هویت جدید دارای کارکرد است و نیز «خرده‌فرهنگ»‌های این گروه‌ها، رکن دوم و مهم دیگر ساختار درونی این گروه‌ها است که داده‌های معنایی، روانی و عاطفی اصلی آنها برای اجتماعی کردن فرد جدید و کسب هویت تازه وی هستند. این چنین است که هویت آسیب‌دیده و ناکارآمد پیشینی به انزواگرایی می‌انجامد و انزواگرایی فرد را در معرض تماس و انتخاب فرصت‌های موجود در موقعیت‌های روزمره قرار می‌دهد و گروه‌های همسال حامل «خرده‌فرهنگ متفاوت» که حول «مصرف مواد مخدر» شکل گرفته‌اند و یا با آن ساخت یافته‌اند، زمینه‌های جامعه‌شناختی اصلی برای جامعه‌پذیری دوباره وی قرار می‌گیرند.

از نگاه ناظر خارجی، کاربر ثابت اینترنت کسی است که ساعاتی در روز کلیه امور روزمره

خود را به حالت تعلیق درمی‌آورد و با قرار گرفتن در پشت صفحه مانیتور به سرگرمی با این دستگاه مشغول است و برای حفظ چنین سرگرمی تا آستانه اعتیاد به اینترنت که مستلزم پذیرفتن ریسک از دست دادن همه امور مهم زندگی روزمره است، پیش می‌رود.

اما از نگاه خود کاربر، وقتی وی در پشت صفحه مانیتور می‌نشیند و آن‌لاین می‌شود با تمامی قوا و ابعاد ذهنی، روحی، عاطفی اش (به جز بعد جسمانی) با اضطراب وارد دنیای گسترده و لایتناهی و بدون مرزی می‌شود که با ورود به گروه همسالانی که در انتظار وی هستند «قرار» می‌یابد و با آنها به کنش متقابل می‌پردازد.

این گروه اجتماعی مجازی، گروهی است که کلیه صفات روابط چهره به چهره را منهای تماس جسمانی واجد است و در عوض با تکیه بیشتر بر ابعاد ذهنی و عاطفی کنش، تخیل و احساسات کنشگران را به فعالیت بیشتر و می‌دارد. این گروه حاوی «خرده‌فرهنگ متفاوت» حتی متفاوت‌تر از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت گروه‌های همسالان دنیای واقعی است، چون نسبت به آنها از قیود و الزامات هنجاری و اخلاقی کمتری برخوردار است، زیرا:

نخست، تعداد چنین گروه‌هایی در دنیای مجازی بدون مرز بسیار بیشتر از گروه‌های دنیای واقعی داخل مرزهای جغرافیایی معین و مکان‌های محلی محدود است و قادر به اعمال فشار اجتماعی بر اعضاء برای حفظ عضویت در گروه، تحت شرایط نامطلوب نیستند.

دوم، افراد توانایی ابراز هویت جعلی و حفظ این هویت را برای ابقای آزادی عملشان دارند، اما وجه آسیب‌شناختی چنین گروه‌هایی به خصوص در مواردی که روابط درونی آنها، روز به روز عمیق‌تر و غنی‌تر می‌شوند، به محدودیت‌هایی که برای تماس جسمانی دارند و این محدودیت‌ها به ضرورت حفظ هویت جعلی نیز ارجاع دارند، مربوط می‌گردد.

به نظر می‌رسد اصرار بر حفظ هویت جعلی به دلیل ضرورت آزادی عمل کنشگر برای ابقای نقش‌های اجتماعی متفاوت و کسب هویت‌هایی که در چنبره محدودیت‌های شغلی، جنسی، سنی، جسمی، ذهنی و عاطفی قرار نگیرد، صورت می‌پذیرد.

اگر بپذیریم که «هویت‌یابی» جدید مسئله اصلی کاربران ثابت اینترنتی است که اشتیاق به عضویت در اجتماعات مجازی دارند و اگر بپذیریم که این‌گونه اجتماعات حاوی گروه‌های

اجتماعی هستند که میان آنها روابط چهره به چهره برقرار است و نیز حاوی «متفاوت‌ترین خرده‌فرهنگ» نسبت به همه گروه‌های اجتماعی واقعی هستند و قرائن این‌گونه نشان می‌دهد، پس می‌توان در پس‌زمینه روانی عاطفی چنین کاربران، هویت آسیب‌دیده پیشینی یافت که در این روند قرار است در معرض ترمیم و اصلاح واقع شود. مصرف مواد مخدر گذشته از اینکه همچون فرضیه اول، برای تجدید قوای جسمی و ذهنی و فعالیت بیشتر کارکرد دارد در این نوع رابطه جدید با اینترنت، می‌تواند فشارهای روانی عاطفی ناشی از محدودیت‌های تماس جسمانی را در کاربرانی که به حدی از روابط اجتماعی عمیق با گروه‌های همسالان (به خصوص جنس مخالف) دست یافته‌اند، تخلیه نماید و نیز فرایند انقطاع از گذشته و ابطال هویت آسیب‌دیده پیشین و کسب هویت جدید را تسریع کند.

منابع

- دارو- آگاهی - پیشگیری، دبیرخانه دولتی امور جوانان و ورزشش، کمیته آموزش سلامتی فرانسه، ۱۹۹۱.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- موسوی، آزاده. «بیماری اعتیاد به اینترنت: علل، نشانه‌ها و پیامدها»، نشریه پژوهش و سبز پیشخانی، معصومه (۱۳۷۹). «اعتیاد به اینترنت چیست؟»، نشریه پژوهش و سنجش، ش ۲۱ و ۲۲.
- روزنامه شرق، ش. ۲۰۰، پنج‌شنبه ۷ خرداد ۱۳۸۳.
- سایت اخبار فن‌آوری اطلاعات ایران، یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۳، <http://www.itiran.com>.
- شرکت مخابرات ایران، یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۳، <http://www.irantelecom.ir>.
- Smith, John Philip (No date). What is an addiction, <http://members.aol.com/breakhabit/addiction.html>
- Milkman and Sunderwirth (1995). Addiction and dependence, www.umsl.edu/~rkee/180/addict.html
- <http://www.ghajar.ws/archieve/.19966.php>
- <http://www.nedstatbasic.net/s?tab=4&link=3&id=2401393&page=18c&category=14005&country=ir>
- Anderson, T. and Mott, J. (No date). "Related identity change: Theoretical and Developmental and Empirical Assessment", *Journal of Drug Issues - Drugs*.